

دیدگاه دوم:

فقهی که احکام آن با رویکرد حکومتی و اجتماعی استنباط شود

مستندات دیدگاه دوم:

«مقصود از فقه حکومتی، فقهی جدای از فقه سنتی نیست، بلکه گاهی احکامی را بیان می‌کنیم که ناظر بر وجود حکومت است و فقه حکومتی نام دارد. گاهی نیز احکامی که صادر می‌شود، با قطع نظر از وجود یا عدم وجود حکومت است که فقه فردی نام دارد. ... بنابراین اگر حکمی به‌تنهایی ارتباط با جامعه ندارد و هرچومرج ایجاد نمی‌کند، فقه فردی نام دارد اما حکمی که در صورت اجرا باعث هرچومرج در جامعه می‌شود و نظم جامعه را به هم می‌ریزد حق ندارید این حکم را اجرا کنید، مگر این‌که حکم حکومتی و فقه حکومتی آن را صادر کند. به بیان دیگر، احکامی که ناظر بر وجود يك حکومت است، احکام فقه حکومتی است و احکامی که ناظر بر وجود حکومت نیست، احکام فقه فردی است.»

(احمد عابدی، مصاحبه با پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای)

«فقه حکومتی وصفی فراگیر و محیط برای تمامی بخشهای فقه (عبادی، اجتماعی، فردی و...) است، که بر برداشت و تلقی خاص از دین و شریعت استوار است و با نشانه‌هایی از این قبیل شناخته می‌شود: ۱. حکومت می‌تواند بدون مشقت آن را در هر عصر و زمان به اجرا درآورد. ۲. مصالح تمامی افراد جامعه در آن منظور شده است. ۳. تخصیص و استثناء در احکام و قوانین اندک است. ۴. با تحولات زندگی انطباق و هماهنگی دارد. ۵. توسل به احکام ثانوی یگانه راه انطباق با تحولات زندگی در آن نیست. ۶. و اجرای آن به تحقق عدالت اجتماعی که از هدف‌های عالی دین است می‌انجامد.»

(مهدی مهریزی، فقه حکومتی، نقد و نظر، سال سوم، شماره چهارم، ص ۱۴۶-۱۴۷)